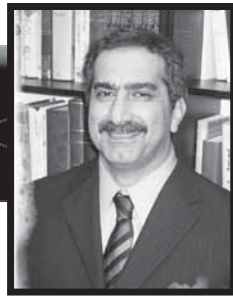


برخورداری از حمایت قانونی حق هر شخصی است. کیسه پلاستیک دریافتی از پست کانادا را باز کرده و موضوع ممیزی نامه‌ها مطرح کردم. در آن روز قصد من مطرح کردن این موضوع بود که تعریف سازمان مللی از پناهجو و موارد پنج‌گانه مطرح در کنسوانسیون ژنو (پناهجویی) قدیمی و بدر مسائل همان آواره‌گان جنگ دوم جهانی می‌خورد. در وقت استراحت، یکی از مشاورین وزیر فدرال نزد آمد (یک قاضی بازنشسته از مونترال) و خواست که اگر مایل هستم، یک مقاله برای سمینار و کنفرانس هائی که در آنجا برگزار می‌شود و موضوع حقوق بشر را بر پیشانی دارد تهیه نمایم و دستمزی بگیرم. کار من برای یک پروژه طولانی و برای کمیسیون سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شده بود و خود نمی‌دانستم. داستان مطالعه و تحقیق و احیاناً نقد من بر متن منشور جهانی حقوق بشر آغاز شده بود. در همان زمان هم من عضو داوطلب کنگره ملی افریقا در بخش بین‌المللی آن (دفتر خیابان دنفورت در تورنتو) به همراه یک مبارز سرشناس به نام سم از افریقای جنوبی بودم (سم رئیس یک پناهگاه در خیابان جارویس هم بود) تجربیات کاری ما بدانجا رسیده بود که اعتراف کنیم، اختلافات فرهنگی میان جنوب و شمال یعنی کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های اروپائی و امریکائی بسیار است ولی باید و وظیفه داریم تا از طریق کمک به یک جنبش جهانی و دموکراتیک، زمینه را در کشورهای خود برای وضع قوانین متری آماده نمایم. نباید منتظر ظهور نجات بخشی بمانیم و به نسبت فرهنگی و خزعلاتی استعماری از این گونه و پست مدرنیسم ارتجاعی پاسخ منفی دهیم. زنان تمام جهان مستحق برابری حقوقی با مردان هستند، همانطور که آزادی بیان و اندیشه و تشکیل اجتماعات از حقوق تمامی خلق‌های جهان است. بالاخره و پس از پنج سال کوشش نوشتاری در دسامبر سال ۱۹۹۱ سرگروه جوانان کانادائی برای کنفرانس سازمان ملل متحد شدم.

پس داستان کار موقتی من برای سازمان ملل متحد آغاز شد. این سازمان هر ساله یکی از کشورهای دنیا را جهت تشکیل همایش جوانان انتخاب می‌کند. هر سال یک موضع اصلی را نمایندگان کشورهای جهان مورد بحث قرار میدهند. از کانادا من شرکت کننده

امریکا) و چه در هنگام سلطه جمهوری اسلامی، مرتباً باز شده و معیوب بدستم می‌رسید. این کار در زمان رژیم شاه، الله بختگی نبود و مراسلات افراد شناخته شده و کوشندگان در سازمانهای مخالف رژیم ممیزی می‌شد و همه‌گیر نبود. با ورود حکومت دینی به صحنه سیاسی ایران و پس از گذشت سالهای پریشانی و بی‌تجربگی، اما که کار باز کردن نامه‌های ارسالی از ایران آغاز شد. ابتدا کمی حوصله به خرج میدادند و با ابزار مخصوص، نامه‌ها را باز کرده و می‌خواندند. کلی که خودمانی تر شدند، نامه‌ها را آش و لاش روانه می‌کردند (نمی‌جسباندند). روزی از روزهای پائیز سال ۱۹۸۶ میلادی (۱۳۶۵ خورشیدی) یک نامه از ایران به صندوق پستی من رسید. در آن روز نامه ارسالی از ایران را اداره پست کانادا در کیسه پلاستیکی گذارده بود به همراه یک یادداشت و یک برگ درخواست نامه رسمی. در یادداشت اداره پست متذکر شده بود که من می‌توانم علیه ناقضین حقوق فردی خود و ممیزی‌کنندگان نامه‌هایم با پر کردن این درخواست نامه رسمی به مقامات محلی و سازمان بین‌المللی ارتباطات شکایت کنم. بی‌تردید و با توجه به رسیدن اخبار مبنی بر سرکوب حداکثر علیه مردم ایران، اعدام‌ها و یورش‌های همه جانبه که منجر به راندن اپوزیسیون به مخفیگاه‌ها شده بود، اقدام من به جانی نمی‌رسید. چرا که این قبیل اقدامات شاید و چنانچه در زمان رژیم شاه صورت می‌گرفت، احتمالاً به جانی می‌رسید و رژیم سابق برای حفظ ظاهر هم که شده بود. اقدامی صورت میداد، هیئات که این قبیل مسائل را تروریستها نه اعتنائی دارند و نه اصولاً باور دارند، چرا که تشست رسوائی آنها با کشتار آغاز انقلاب و پیامد مبارزات مردم در ابتدای سالهای ۱۳۶۰ خورشید و قتل عام یک نسل از مبارزین ایرانی، از باز تاریخ افتاده است. من اما که، فکر بهتری داشتم. همینجا نوشته باشم که من شانس داشتم که عضو هیئتی از استان انتاریو باشم که برای توجیه وزیر جدید مهاجرت و شهروندی کانادا، عازم اتاوا (پایتخت) شدیم تا مسائل و معضلات مهاجرتی و پناهجویی را با وی در میان بگذاریم. در وقت بسیار محدودی که به من رسید، گفتارم را با اشاره به ماده ۱۲ منشور جهانی حقوق بشر آغاز کردم. "نیا بد در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه هیچ کس مداخله خودسرانه صورت گیرد یا به حرمت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و تهاجماتی،



تحلیل سیاسی مجید پهلوان

داستان نامه‌های من و ...

سازمانهای موازی نظامی و اطلاعاتی امریکا شد! آنچه که بویژه امثال برنارد لوئیز. و ساموئل هانتینگتن نوشتند در این راستا بود. دنیای پیرامونی و در حالی توسعه فقط می‌تواند از طریق همزیستی فرهنگی خود را در یابد و چون سرمایه بین‌المللی دیگر مرزی را در جهان رسماً نمی‌شناسد، لذا فرهنگ‌سازی این شیوه تولیدی نیز بی‌مرز و حدود مانده است. لشگرکشی‌ها، کودتاها و ... همگی در جهت کارکرد انباشت سرمایه معنا می‌یابد که برای فعال نمودن آن محتاج زمینه فرهنگی مورد نیاز انحصارات است. در زمان جنگ سرد، تنفر و دوری از اتحاد شوروی و در کل چهارچوب نظری چپ، عمده موضوع دستگاه اندیشه‌سازی و مراکز آموزش انحصارات امپریالیستی بود چون موسسه هورور در استانفورد! در اواخر دهه ۸۰ میلادی قرن بیستم اما که با وضوح فروپاشی بلوک شرق از درون این مسئولیت متوجه پروردن لولوی اسلام سیاسی و تروریسم خود پرورده شد! بی‌تردید و خلاف جریان علیه این راه و روش ابداعی انحصارات امپریالیستی، ایده ارتباط و هم‌نشینی فرهنگی است، چرا که چوب سرمایه‌عریان را تمام زحمتکشان دنیا یکسان می‌خورند و بهتر است که راه رهایی از منجلابی که این شیوه تولیدی پرورده را با عقل جمعی ارزیابی کنیم. ستیز فرهنگی این امر را مانع است ولی ارتباط و هم‌نشینی فرهنگی به زمینه‌سازی حضور تفاهم و دوستی و حل مشکلات جمعی یاری می‌رساند.

نامه‌های ارسالی از ایران برای من چه در زمان رژیم گذشته و دهه هفتاد میلادی (۱۹۷۶ سال ورود من به

آنچه که می‌خوانید، تجربه کوتاه من در مطرح نمودن یکی از مشکلات عدیده ایران (سانسور و ممیزی تمام عیار) ابتدا برای جمعی کوچک از نمایندگان جوانان ۱۲۷ کشور عضو سازمان ملل متحد است به سال ۱۹۹۱ میلادی و سپس عرضه سمینارهای دو ماهه در سراسر موسسات آموزش و پژوهش برگزیده کانادا. از پیش نوشته باشم که مشکلاتی از قبیل سانسور عریان و ممیزی در ارتباطات مراسله‌ای، تلفنی و ... برای جوانان اروپائی و امریکائی شمالی نه تنها غریب که ابلهانه و باور نکردنی بود. اما که همین امر چون مسئله‌ای جاری، توگویی که بخشی از زندگی ما مردمان جهان پیرامونی است نامه‌های من عنوان مطلبی است که چون پنجره‌ای کوچک بروی فضائی گسترده باز می‌شود.

من به برخورد و ستیز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نه تنها ناباور که همواره افشاءکننده این اندیشه به غایت ارتجاعی بوده‌ام. برخورد و ستیزندگی فرهنگ‌ها را اندیشه پردازان مراکز آموزشی وابسته به وزارت دفاع و سازمان ضد جاسوسی سیا پروردند. با سقوط اتحاد شوروی و به منظور جابه‌جائی یک لولوی دیگر برای چاپیدن مردم امریکا و جهان شمال، نه تنها پروردن اسلام سیاسی در عهد جدید منجر به خلق حکومت‌های منتسب شد (ایران، پاکستان، افغانستان، عراق، سودان و ...) که توریزه کردن برخورد تمدن‌ها جاری و سکوی پرش انحصارات نفتی - جنگی برای حفظ اوضاع نه جنگ و نه صلح شد! میلیاردها دلار بیشتر در سال صرف جنگ افراز و لشگرکشی‌ها و بودجه‌های نجومی

قیمت آگهی شده کمپانی‌های دیگر را می‌شکنیم

Computer Backup & Format - Re-Install Windows - Repair & Upgrade All Kind of Pc's

Adventure P4 Dual 2 Core 1.6G

Intel Core2 Dual E2140 1.6
Asrock D667 Intel Mother-Board
2 GIG DDR2 RAM
225 MB Ram Video O/B
160GIG HD
20X DVD Burner
Lan/Sound O/B
KeyBoard & Mouse
ATX 350W Power

19" LCD Monitor \$155

\$299

Econo Intel P4 2800

Asrock 800 Intel MotherBoard
1 GIG DDR2 RAM
64/128 MB Ram
Video O/B
160GIG HD
20X DVD Burner
Lan/Sound O/B
KeyBoard & Mouse
ATX 350W Power

22" LCD Monitor \$205

\$199

PowerHouse AMD/Intel Quad Core

2 GIG DDR2 RAM
256 MB Ram Video O/B
320 GIG HD
20X DVD Burner
Lan/Sound O/B
KeyBoard & Mouse
ATX 350W Power

20" LCD Monitor \$190

\$449

Notebook From \$249

نمایندگی مجاز



بایش از ۵۰ کانال فارسی زبان

Mother Boards
CPU/DVD's
VideoCards &
Hard Drive's
LCD/ Flash Drive

Install Network Wired / Wireless Router / Access points etc....

StarTech Computers

6126 Yonge St
North York, ONT M2M 3W7

416.512-1010

کار بازرسی مراسلات از سوی جمهوری اسلامی اکنون به میزبانی نام‌های الکترونیکی و شنود مکالمات تلفنی هم رسیده است. در این میان و برای اینکه دین خود را به صاحبان اصلی کانادا، یعنی بومیان کشور از جمله قبائل کری، ملت نخستین و... ادا کرده باشم در میانه راه و اواسط برگزاری سمینارهای سازمان ملل متحد، بخشی را هم به وضعیت بومیان کانادا و مسئله عدالت اجتماعی اختصاص دادم. جریان از این قرار بود که قبل از آزادی ماندلا، دسمون توتو، کشیش برجسته و مدافع حقوق بشر از آفریقای جنوبی به کانادا آمد. آقای توتو از اعضای مؤثر کنگره ملی آفریقای جنوبی بود و روزی هم به دفتر A.N.C در همان خیابان دفنورت میهمان شد. دسمون توتو تازه از سفر شمال استان انتاریو و بازدید از مجتمع‌های بومیان کانادا بازگشته بود. به هنگام توضیح دیده‌های خود از اوضاع شهرک‌های بومیان از آمار خودکشی، مسئله الکل و بیماری‌های روانی و افسردگی شدید نسل جوان آنها گفت. توتو که برای گرفتن حمایت کانادا برای جنبش سیاهان و کنگره ملی آفریقا به کانادا آمده بود، به ما داوطلبین آن مرکز گفت که کانادا لازم نیست از ما (سیاهان آفریقای جنوبی) علیه رژیم آپارتاید دفاع کند، بهتر است به فکر بومیان کشور خود باشند. توتو آشکارا اشک بر چهره داشت و بسیار از مشاهده اوضاع بومیان شمال استان پریشان شده بود (سالها قبل همین مسئله را در مطلبی قلمی کردم) در سمینارهای باقیمانده مرتب این مسئله نقص عدالت اجتماعی علیه بومیان کانادا، قلع و قمع و نسل‌کشی از آنان را توسط سفید پوستان اروپائی که به سرزمین آنها هجوم آوردند، یادآور شدم. نتیجه این مطلب هم البته با دریافت آخرین حقوق دو ماهه به همراه تقدیرنامه رسمی بود و بدین صورت دیگر مرا به بازی نگرفتند! گویا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل هم بدون باز کردن نامه‌های ما و یا شنود مکالمات من، پی به مکتوبات قلبی من برده و یا آنتن‌های کانادائی آنها خدمت من هم رسیدند! براستی که درجه اعتبار و معیار آزادی در هر کشور را میتوان از مسئله سانسور نیز مورد قضاوت قرار داد. تا چه زمانی فرا رسد که در ایران دیگر نامه‌های ما میزبانی نشود و شنود تلفنی غیر قانونی شود، گویا بستگی به ظهور و پیروزی یک جنبش روشن و دموکراتیک دارد.

از رهبران جمهوری اسلامی ندارند به مسائل ما آشنا نمی‌شوند. حرفی که از دل برآید، لاجرم بر دل‌ها نشیند. افشاء گری بر محور نقص حقوق انسانی، اما که با سر رسیدن اعدام‌های جنایت بار و بی سابقه کنونی باید که به زیان و از کانال فرهنگ بومی خود مردم کشورهای شمال انجام پذیرد. در این راستا، تاسیس و ادامه کاری رسانه‌های نوشتاری، صوتی و تصویری به زبان کشور میزبان می‌تواند از بازده صد چندان بهتر برخوردار شود.

احتمالاً وظیفه نگارنده این مطلب است که یادای از سرگذشت، ترجمه اعلامیه حقوق بشر که از نتایج انقلاب کبیر فرانسه بود کند که برای اولین بار توسط یوسف خان مستشارالدوله در جزوه موسوم به یک کلمه و در زمان ناصرالدین شاه تحریر شد. این مرد دانشمند، اما که مفاد اعلامیه مذکور را قاطی مباحث مذهبی و شاهد گرفتن از قرآن و احادیث کرد تا هم سرش بر باد نرود و هم به قول خودش زمینه توده گیر شدنش را فراهم آورد! یوسف خان را ناصرالدین شاه شکنجه کرد و به زندان قزوین انداخت که بر اثر همین ناملامت در سر پیری و کوری جان در راه آزادی داد. اما در تاریخ معاصر باید از محمد جعفر پوینده نام ببریم که ترجمه خوبی از منشور جهانی اعلامیه حقوق بشر تهیه کرده و بی‌شک از کارهای منتقدین نیز استفاده کرده است.

محمد جعفر پوینده را نیز دل‌باختگان ولایت فقیه و پیاده کنندگان عدل الهی ربودند و خفه کردند و ننگی دیگر برای خود خریدند که سبب شد صدها پوینده جوان راه او را پی‌گیرند. اگر یوسف خان مستشارالدوله را ناصرالدین شاه داد انقدر با دوات بر سر نازنین این مرد میهن دوست بکوبند تا کور شود، اما که ولی فقیه و سربازان گمنام امام زمان، جعفر پوینده، تحصیل کرده پاریس و پژوهشگر زحمتکش ایران و حوزه اندیشه آزادی را ربوده در بیغوله‌های جنوب تهران خفه کردند! سرنوشت مفاد منشور حقوق بشر در ایران گویا به بود و نبود استبداد وابسته است. توگویی که در زمانه‌ای بسر میبریم که شهروندان ایران اکنون مفاد اعلامیه را حق خود میدانند و بدین سبب است که رژیم اگر چه با ترور می‌تواند از دست نخبانان خلاص شود ولی ملت تاختی ایران اکنون حقوق بشر را در خود نهادینه می‌کند و با سلاحی چنین برنده بساط ارتجاع را می‌روید.

خانواده بیشتر توسط تلفن راه دور و زنگ زدن به منازل دوستان و نزدیکان انجام می‌پذیرفت که لطف کرده و اعضای خانواده مرا میهمان می‌کردند! این روش جدید هم از پس دریافت تکنولوژی جدید از سوی جمهوری اسلامی از موسساتی چون زمینس و... نیز به سان پاره کردن و خواندن نامه‌های من شد! آنها به مکالمات ایرانیان گوش میدهند و فکس‌ها و ایمیل‌های مردم را میزبانی می‌کنند. نقض حقوق فردی ادامه دارد و حقوق شهروندی مخصوص خودی‌ها باقی مانده است. در جریان ادامه کار کنفرانس جوانان که از سوی سازمان ملل متحد برگزار شد، موقعیت مناسبی بود تا شرکت‌کنندگان توسط سرگروه‌های خود با منشور جهانی حقوق بشر آشنا شده و سکوی پرش فعالیت‌ها آینده خود را آماده نمایند. سفر هیئت من که استان انتاریو را با سمینارهای خود پوشش میداد بسیار آموزنده بود. ابتدا باید گروه من با مواد اعلامیه آشنا و خود را جهت ایراد سخنرانی و اداره جلسات پرورش دادیم. در موسسات آموزش، آماده می‌کرد برای جوانان عضو گروه من که از آفریقای جنوبی، انگولا و آکراین می‌آمدند، شنیدیم اینکه هر شخص حق دارد در داخل کشور آزادانه رفت و آمد کند (ماده ۱۳) و یا هر کس حق دارد کشور خود را ترک نماید یا به کشور خوش بازگردد (ماده ۱۳)، بند دوم بسیار جذاب بود. با ماده ۱۸ که می‌گوید، هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه و وجدان و دین بهره‌مند شود. ماده ۱۹ که می‌گوید هر فردی آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد. و در کسب اطلاعات و انتشار افکار به تمام وسائل ممکن آزاد باشد.

صد و بیست و هفت جوان برگزیده کشورهای عضو سازمان ملل متحد در این موقعیت نه تنها با اعلامیه جهانی حقوق بشر آشنا شدند که آزادی و حق سخن گفتن و نوشتن و اجتماعات و اندیشه آزادانه را چون ویژه‌گی‌های جدا ناشدنی انسانی خود پذیرفتند. داستان نامه‌های درب و داغون ارسالی از ایران برای من همواره روی تمامی صحنه‌ها بازگو می‌شد و در مواردی چنان احساسات جمع را به طرف مقاومت مردم ایران علیه جمهوری اسلامی برمی‌انگیخت که حتی سبب تعجب خود من هم می‌شد. افکار بین‌المللی از روی سخنان رهبران کشورهای خود که دست کمی

بودم و موضوع سال ۱۹۹۱ میلادی، عدالت اجتماعی و تداخل و تفاهم فرهنگی بود. بی‌شک هم رشته تحصیلی من و هم سابق کاری و پژوهشی من در این محدوده می‌گنجید. باید به مونترال می‌رفتم ولی هنوز نمی‌دانستم که همایش جوانان سازمان ملل متحد یعنی چه؟ با رسیدنم به مونترال در ساختمان اسکان گرفتم و با گروه کاری خود آشنا شدم. من از کانادا، نماینده آفریقای جنوبی (از زولوها)، نماینده انگولا، اوکراین، لهستان و یک جوان از بومیان شمال استان کبک و از قبایل کری. من به عنوان سرپرست این گروه مسئولیت توجیه آنان را نسبت به موضوع همایش عهده‌دار بودم. این گروه پس از آمادگی وظیفه داشت که به استان انتاریو آمده و در دوازده کالج، دبیرستان و مرکز عفو بین‌الملل و دانشگاه تورنتو، ایراد سخنرانی کند. نامه منگنه شده و ارسال از ایران محور بحث‌های ما شد. معلوم شد که چنین مسئولیتی در اغلب کشورهای جهان جنوب به چشم می‌خورد و آن چیزی که منشور جهانی حقوق بشر نامیده می‌شود، ابتدا و حتی در آنگولای انقلابی مراعات نمی‌شود. نماینده انگولا که چهار زبان را به خوبی میداند (انگلیسی، روسی، پرتغالی و اسپانیایی)، بی‌شک فرستاده دولتی بود ولی با تمام جوانی اذعان نمود که این امر و سایر موارد نقض حقوق فردی - شهروندی. لازمه امنیت کشور اوست، چرا که نیروهای ضد انقلابی یونیا و ژنرال خود خوانند. ساویمی سبب ساز چنین اوضاعی هستند! پنداری شکل حکومت‌ها تغییر در باز تولید نقض حقوق شهروندی و فردی ساکنین دنیای پیرامونی نمی‌دهد و اگر چه هیچ کدام به گرد پای جمهوری اسلامی نمی‌رسند، اما که خود شهروندان نیز گویا زیاد تعجبی از این امر نمی‌کنند. موضوع آغازین من همان بود که گفتم. باید مقابل هتک حرمت انسانی و تهاجم به آبرو و حیثیت خود ایستاد و هیچ بهانه‌ای را قبول نکرد. در سخنرانی من که مدت‌ها روی آن کار کرده بودم از کتاب میلان کندرا هم ذکر خبری شده بود که چگونه باز کردن نامه و کارت ارسالی شخصیت داستان، وی را روانه اردوگاه کار اجباری در دولت سوسیالیستی چکسلواکی سابق می‌کند (نامه‌ها).

با توسعه امکانات ارتباطی جدیدتر، کار تماس با



عضو انجمن کانادائی حسابداران ایرانی
CAIA

مجتبی فریور

IDEAL ACCOUNTING

- اگر در سال ۲۰۰۹ در آمدی نداشته باشید، ممکن است صدها دلار به شما پرداخت شود!!
- اگر حتی در آخرین روز سال ۲۰۰۹ وارد کانادا شده اید، ممکن است صدها دلار به شما پرداخت شود!!

آیا می‌دانید
با تکمیل فرم‌های مالیاتی:

آیا میدانید در صورت عدم تکمیل فرم‌های مالیاتی: Child Tax Benefit فرزندتان شما از جولای سال جاری پرداخت نخواهد شد

خدمات مالیاتی

INCOME TAX

Personal, Small Business
& Corporation

E-FILE

6365 Yonge St., Suite 205
North York, ON M2M 3X8

خیابان یانگ
پلاک ۶۳۶۵ سوئیت ۲۰۵
(جنوب استیلز)

خدمات حسابداری

حسابداری و دفترداری شرکت‌ها و اشخاص

تهیه صورت‌های مالی

تهیه فرم‌های PAYROLL & GST, PST

تهیه Business PLAN

مشاوره برای برداشتن شرط تجاری

ثبت شرکتها

وام مسکن Mortgage

تکمیل فرم‌های GST و Child Tax و سایر فرم‌های مالیاتی

416-226-0166

تخصص ویژه برای سالمندان، دانشجویان و تازه واردین